

بررسی تطبیقی

توسّل به صالحان

بین موافقان و مخالفان

تألیف:

عبدالفتاح بن صالح قدیش الیافعی

سرپرستی ترجمه:

ماموستا بهروز عزیزی



امام ربانی

حق چاپ محفوظ است

سرناسه	یافعی، عبدالفتاح، ۱۹۷۴-م.
	Yafii, Abd al-Fattah ibn Salih Qadish
عنوان قرارداد	التوسل بالصالحین بین المجیزین والمانعین دراسه مقارنه. عربی. فارسی
عنوان و نام پدیدآور	بررسی تطبیقی توسل به صالحان بین موافقان و مخالفان / تالیف عبدالفتاح بن صالح قدیش الیافعی؛ سرپرستی ترجمه بهروز عزیزی.
مشخصات نشر	مریوان: امام ربانی، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری	۵۹۲ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۹۶۲-۸۶-۳
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	توسل -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها
موضوع	Invocation -- Apologetic works
موضوع	توسل -- احادیث اهل سنت
موضوع	(Invocation -- Hadiths (Sunnite
موضوع	توسل -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	Invocation -- Addresses, essays, lectures
شناسه افزوده	۱۳۷۰-، سرپرستی ترجمه
شناسه افزوده	عزیزی، بهروز، ۱۳۴۸-،
رده بندی کنگره	BP۲۲۶/۶
رده بندی دیویی	۲۹۷/۴۶۸
شماره کتابشناسی ملی	۷۹۴۶۳۵۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی:	فیا



انتشارات امام ربانی

بررسی تطبیقی
توسل به صالحان
بین موافقان و مخالفان

✓ نام کتاب:	بررسی تطبیقی توسل به صالحان بین موافقان و مخالفان
✓ مؤلف:	عبدالفتاح بن صالح قدیش الیافعی
✓ سرپرستی ترجمه:	ماموستا بهروز عزیزی
✓ نوبت چاپ:	اول / ۱۴۰۰
✓ تیراژ:	۱۰۰۰ (جلد)
✓ تعداد صفحات:	۵۹۲ صفحه‌ی وزیری
✓ ناشر:	انتشارات امام ربانی
✓ شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۶۹۶۲-۸۶-۳

✓ قیمت: ۸۰,۰۰۰ تومان

فهرست

۵	تقدیم:
۷	فهرست
۱۱	مقدمه مترجم
۱۷	سخنی با خواننده:
۱۷	حق، برای پیروی شایسته‌تر است
۱۷	۱- از کتاب:
۱۷	۲- از سنت:
۲۶	خواننده گرامی:
۲۹	مقدمه مؤلف
۳۱	✓ فصل اول: حکم توسل به صالحان
۳۲	مبحث اول: اقوال علما درباره حکم توسل به صالحان
۳۳	فرع اول: اقسام توسل و اقوال علما درباره آن بصورت اجمالی
۴۰	فرع دوم: از اقوال حنفیه درباره توسل
۴۴	تحریر مذهب حنفیه در این مسئله
۴۶	پرسش و پاسخ:
۵۰	فرع سوم: از اقوال مالکیه درباره توسل
۶۴	فرع چهارم: از اقوال شافعیه درباره توسل
۶۷	فرع پنجم: از اقوال حنابله درباره توسل

- ۷۰..... فرع ششم: فوایدی تکمیل‌کننده درباره توسل
- ۸۸..... فایده دوم: الشوکانی جزو مناصرین توسل به انبیاء و صالحین است
- ۱۲۳..... مبحث دوم: دلایل
- ۱۲۴..... فرع اول: دلایل جمهور مبنی بر مشروعیت توسل
- ۱۶۲..... آثاری از صحابه در این باره و از آن جمله:
- ۱۶۴..... احادیث بسیار وارده درباره تبرک به آثار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۶۹..... فرع دوم: دلایل مانعین
- ۱۶۹..... فرع سوم: فوایدی تکمیل‌کننده
- ۱۷۵..... فصل دوم: صحبت کردن با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از وفاتش
- ۱۷۶..... مبحث اول: کسانی که این کار را جایز می‌دانند و تقریر و توضیح آنان برای این مسئله
- ۱۷۷..... فرع اول: تقریر ماهیت و حقیقت «عبادت» و «توحید ربوبیت» و «توحید الوهیت»
- ۱۹۳..... بر طبق آیات قرآنی
- ۲۱۰..... بر طبق احادیث نبوی و آثار سلف
- ۲۱۹..... مسئله اول: آیا نسبت دادن یک چیز به سبیش، بدون ذکر مسبب جایز است؟
- ۲۲۵..... مسئله دوم: آیا کفار در ربوبیت موحد بودند؟
- ۲۳۰..... اولاً: از آیات قرآن دال بر آن:
- ۲۵۰..... دوماً: از احادیث نبوی دال بر آن:
- ۲۹۵..... احادیث درباره درخواست خوارق العادات
- ۳۱۰..... مسئله تکمیل‌کننده:
- ۳۱۱..... فرع دوم: آیا مردگان صحبت کردن زندگان با آنان را می‌شنوند؟
- ۳۱۱..... دلایل جمهور بر سماع اموات
- ۳۵۶..... فرع سوم: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در قبرش زنده است؟
- ۳۵۹..... فرع چهارم: اعمال ما بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از مرگش عرضه می‌شود.
- ۳۶۸..... فرع پنجم: بعضی از کارهایی که روح میت می‌تواند انجام بدهد.

مقدمه مترجم

بسم الله والحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله و على آله وصحبه ومن والاه،

اما بعد:

در زمانه‌ای که مفاهیم وارونه گشته و جایگاه خائن و امین، و دروغگو و صادق، عوض شده است، شناختن حقیقت و پیروی کردن از آن و همچنین شناختن باطل و دوری کردن از آن، به راستی که مشکل شده است. چون هیچ کس نیست که خود را مسلمان بداند اما مفاهیم شرعی مانند اسلام و کفر، سنت و بدعت، حلال و حرام، توحید و شرک، ایمان به الله و کفر به طاغوت و نحو اینها را قبول نداشته باشد. بلکه مشکل آنجا بوجود می‌آید که تعریف این مفاهیم با افراط و تفریط تغییر یابد. در این صورت برای مثال اهل افراط چیزی که کفر و شرک و بدعت و طاغوت نیست را کفر و شرک و بدعت و طاغوت می‌پندارند و سپس مخالف خودشان را متهم به کافر و مشرک و مبتدع و طاغوت می‌کنند. و در نقطه مقابل نیز اهل تفریط چیزی که کفر و شرک و بدعت و طاغوت است را کفر و شرک و بدعت و طاغوت نمی‌دانند و سپس کسی که کافر و مشرک و مبتدع و طاغوت است را مسلمان و موحد و اهل سنت و حق می‌پندارند. موضوع توصل و قربت جستن به سوی خداوند متعال بوسیله جاه یا دعای صالحان زنده و مرده، و حاضر و غایب، نیز یکی از موضوعاتی است که از افراط و تفریط در امان نمانده است.

کتابی که پیش رو دارید ترجمه کتاب: «التوسل بالصالحين بين المجيزين والمعانين دراسة مقارنة» از عبدالفتاح بن صالح قدیش الیافعی است و نام آن را: «بررسی تطبیقی

توسل به صالحان بین موافقان و مخالفان» گذاشته‌ام که دربارهٔ بیان انواع توسل و احکام مربوط به آن است. و روشی که نویسنده داشته است به این شکل بوده که اقوال علمای موافق و مخالف را آورده و نقاط ضعف و قوت آنها را بررسی و تحلیل کرده است و این کتاب بیشتر پاسخی به اهل افراطی است که بخاطر ظاهرگرایی و کج فهمی و عدم درک مناظر احکام، توسلی که شرک نیست و بلکه نزد جمهور علمای اهل سنت جایز و پسندیده است را شرک می‌دانند و فاعلش را مشرک می‌پندارند! چنانکه در این عصر خوارجی ظهور کرده‌اند که امامان و علمای بزرگ اهل سنت و جماعت از هر چهار مذهب را از قدیم تا جدید، بخاطر جایز دانستن توسلی که نزد جمهور علما جایز و بلکه مستحب است، مشرک و کافر می‌دانند! پس تحریف و تغییر یافتن این مفاهیم شرعی، و عدم درک صحیح از توحید و شرک، و ندانستن تعریفی جامع و مانع از توحید و عبادت، باعث ظهور کسانی شده که بخاطر توسلی که شرک نیست مسلمانان را مشرک می‌دانند و سپس به بهانهٔ جنگیدن با مشرکان به جنگ با مسلمانان بروند؛ چنانکه در زمان صحابه رضوان الله علیهم، بخاطر عدم درک صحیح توحید و شرک، خوارجی ظهور کردند که الفاظ قرآن را قرائت می‌کردند اما معنا و تاویل آن را فهم نمی‌کردند و با سر دادن شعار: ﴿إِنَّا نَحْكُمُ إِلَّا لِلَّهِ﴾ (الأنعام: ۵۷) به جنگ مسلمانانی که حقیقتاً به غیر ما انزل الله حکم نکرده بودند می‌رفتند و آنها را به بهانهٔ حکم کردن به غیر ما انزل الله مشرک می‌دانستند. و خوارج در نزد گمان خود معتقد نبودند که دارند با مسلمانان می‌جنگند، بلکه بخاطر برداشت اشتباهشان از توحید، ابتدا نام آنها را به مشرک تغییر داده بودند و سپس به بهانهٔ مبارزه با مشرکان، به جنگ با خلیفهٔ مسلمانان سیدنا علی علیه السلام و دیگر مسلمانان رفتند! و در نهایت ابن ملجم مرادی از بزرگان خوارج، سیدنا علی علیه السلام را به جرم مشرک بودن در نماز صبح به شهادت رساند و به گمان خودش طاغوت زمان خود را کشته بود و از توحید خداوند در برابر مشرکان حمایت کرده بود! علیه من الله ما يستحق.

و در این زمان نیز مجددان افکار خوارج با خود نمی‌گویند که ما داریم مسلمانان را تکفیر می‌کنیم و مشرک می‌دانیم، بلکه معتقد اند که آنها کافر و مشرک هستند و به

گمان خود دارند با کفر و شرک مبارزه می کنند و از توحید خداوند حمایت می کنند! پس باید دانست که تغییر یافتن مفاهیم دینی بزرگترین آفتی است که دین را از داخل ویران می کند. و به راستی که این افراد قرآن می خوانند اما از حنجره شان پایین تر نمی رود و آیاتی که درباره اعتقادات مشرکان نازل شده است را برای مسلمانان به کار می برند و اهل اسلام را می کشند و بت پرستان را رها کرده اند. و این نوع گمراهی و انحراف، خطرناکترین نوع گمراهی در دین است، چون صاحب آن بخاطر کوتاه فکری اش دین را اشتباه فهمیده است و به گمان خودش دارد به دین خدمت می کند و از دین خدا دفاع می کند. برای همین شخص مسلمان علاوه بر داشتن اخلاص در عبادتش، باید عبادتش نیز مطابق با شریعت باشد. پس به همان شکل که عمل منافقی که در ظاهر عبادتش را مطابق با شریعت انجام می دهد اما در باطن به آن معتقد نیست صحیح نیست، به همان شکل عمل مبتدعی که بدعتش را با اخلاص انجام می دهد اما عملش مطابق با شریعت الله متعال و رسولش نیست، نیز صحیح نمی باشد.

پس اینگونه نیست که اگر خوارج، توسلی که شرک نیست را با فهم اشتباه خود شرک پنداشتند و خود را پشت شعار حمایت از توحید پنهان کردند، و مسلمانان را قبرپرست و مشرک نامیدند، پس در نزد الله و رسولش نیز اینگونه باشد. و اینگونه نیست که هرکس ادعای دعوت کردن به سوی توحید داشت، پس حرف او و توحید او درست باشد و مطابق با فهم الله و رسولش باشد و آن کسانی را که او آنها را بر اساس فهم خود مشرک پنداشته است در نزد الله و رسولش نیز مشرک باشند. چون اگر اینگونه می بود، پس باید حق با ابن ملجم مرادی نیز می بود، چون او علی رضی الله عنه را طاغوت زمان خود و حکم کننده به غیر ما انزل الله می پنداشت و استنادش هم به ظاهر آیاتی مانند: ﴿إِنْ أَحْكَمُ إِلَّا لِلَّهِ﴾ [الأنعام: ۵۷] بود!

در مسند البزار (۱۷۵) و الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان از حذیفه رضی الله عنه روایت شده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إِنَّ مَا أَتَخَوَّفُ عَلَيْكُمْ رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ حَتَّى إِذَا رُئِيَ تَبَهَّجَتْ عَلَيْهِ وَكَانَ رِذَاءً لِلْإِسْلَامِ، غَيْرُهُ إِلَى مَا شَاءَ اللَّهُ، فَانْسَلَخَ مِنْهُ، وَبَدَّ وَرَاءَ ظَهْرِهِ، وَسَعَى عَلَى جَارِهِ بِالسَّيْفِ، وَرَمَاهُ بِالشَّرِكِ» قَالَ: قُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ،

أَيُّهُمَا أَوْلَىٰ بِالشِّرْكِ، الرَّامِي أَمْ الْمَرْمِي؟ قَالَ: «بِلِ الرَّامِي».

ترجمه: «آنچه که از آن بر شما می‌ترسم مردی است که قرآن می‌خواند تا اینکه بهجت و نور قرآن در سیمایش دیده می‌شود و یاری دهنده‌ای برای اسلام می‌شود، سپس به آنچه که خداوند بخواهد تغییر می‌یابد و از اسلام کنده می‌شود و آن را پشت سرش می‌اندازد، و بر همسایه‌اش شمشیر می‌کشد و او را متهم به شرک می‌کند. حذیفه گفت: گفتم ای رسول خدا کدامشان اولی‌تر به شرک هستند؟ متهم کننده یا متهم شونده؟ فرمود: بلکه متهم کننده اولی‌تر به شرک است».

الهیثمی در مجمع الزوائد (۱/۱۸۸) آن را حسن دانسته و ابن کثیر در تفسیرش (۳/۵۰۹) می‌گویند: اسنادش جید است.

چنانکه در این حدیث شریف آمده است، رسول خدا ﷺ از کسانی خبر داده که در فهم توحید منحرف شده‌اند و چیزی که شرک نیست را شرک قرار داده‌اند. و امروزه نیز غالبانی ظهور کرده‌اند که بخاطر جهلشان به مفهوم و ماهیت توحید و شرک، آن نوع توسلی که شرک نیست و بلکه نزد جمهور علمای اهل سنت مستحب است را شرک می‌دانند و سپس به نام نشر توحید و مبارزه با شرک و خرافات، مسلمانان را تکفیر کرده و مشرک می‌دانند و متأسفانه بعضی از جوانان دلیاک و ساده و دوست‌دار توحید نیز فریب این شعارهای در ظاهر زیبا و در باطن بی‌ارزش و باطل را می‌خورند و خود را خسارتمند دنیا و قیامت می‌کنند. ابن کثیر رحمه الله در البدایة والنهاية (۷/۲۸۶-۲۸۷) درباره‌ی خوارج می‌گوید: «قلت: وهذا الضرب من الناس من أغرب أشكال بني آدم فسبحان من نوع خلقه كما أراد وسبق في قدره العظيم. وما أحسن ما قال بعض السلف في الخوارج: أنهم المذكورون في قوله تعالى: ﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا﴾ الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿١٠٥﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا ﴿١٠٦﴾» كهف: ۱۰۳-۱۰۵ والمقصود أن هؤلاء الجهلة الضلال والأشقياء في الأقوال والأفعال... فخرجوا من بين الآباء والأمهات والأخوال والخالات وفارقوا سائر القربات يعتقدون

بجهلهم وقلة علمهم وعقلهم أن هذا الأمر يرضي رب الأرض والسموات، ولم يعلموا أنه من أكبر الكبائر الموبقات والعظائم والخطيئات وأنه مما زينه لهم إبليس الشيطان الرجيم المطرود عن السموات الذي نصب العداوة لأبينا آدم ثم لذريته ما دامت أرواحهم في أجسادهم مترددات واللّه المستول أن يعصمنا منه بحوله وقوته إنه مجيب الدعوات. وقد تدارك جماعة من الناس بعض أولادهم وإخوانهم فردوهم وأنبوهم ووبخوهم فمنهم من استمر على الاستقامة ومنهم من فر بعد ذلك فلاحق بالخوارج، فخرس إلى يوم القيامة، وذهب الباقيون إلى ذلك الموضع ووافي إليه من كانوا كتبوا إليه من أهل البصرة وغيرها واجتمع الجميع بالنهروان وصارت لهم شوكة ومنعة وهم جند مستقلون وفيهم شجاعة وعندهم أنهم متقربون بذلك، فهم لا يصطلى لهم بنار، ولا يطمع في أن يؤخذ منهم بثأر، واللّه المستعان».

ترجمه: «می گویم: این دسته از مردم از شگفت آورترین اشکال بنی آدم هستند، و چه پاک است خدایی که آفریده هایش را هرطور که اراده کند و در قدرت عظیمش بر آن سبقت گرفته باشد خلق می کند! و از زیباترین سخنانی که بعضی سلف درباره خوارج گفته اند این است که آنها در این سخن خداوند ذکر شده اند: {(ای پیامبر!) بگو: آیا شما را به زیان کارترین (مردم) در کارها، خبر دهیم؟ کسانی که تلاش و کوشش شان در زندگی دنیا تباه و ضایع شده، و با این حال گمان می کنند که کار نیک انجام می دهند. آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و لقای او (در جهان آخرت) کافر شدند، در نتیجه اعمالشان تباه و نابود شد، سپس در روز قیامت برای آنها (ارزشی قائل نیستیم و) وزنی بر پا نخواهیم کرد}. و مقصود این است که آنها در گفتار و کردارشان جاهل و گمراه و بدبخت هستند... پس آنها از میان پدران و مادران و دایی ها و خاله هایشان خارج شدند (یعنی برای جنگیدن با مسلمانان بیرون آمدند) و از میان دیگر نزدیکانشان جدا شده و با جهلی که داشتند و قلت علم و عقلی که داشتند معتقد بودند که این کارشان پروردگار آسمان ها و زمین را راضی می کند و نمی دانستند که کارشان از بزرگ ترین کبائر و هلاک کننده ها و گناهان و خطاهای عظیم است و اینکه ابلیس، همان شیطان رجیم و رانده شده از آسمان ها، چنین کاری را برایشان زینت داده است، ابلیسی که

دشمنی با پدرمان آدم سپس ذریه‌ی آنها را تا زمانی که ارواحشان در جسدشان باشد به خود نسبت داده است و از خداوند می‌خواهیم که ما را با قوتش از آن محفوظ نگه دارند؛ چراکه او اجابت‌کننده‌ی دعاهاست. و بعضی از مردم فرزندان و برادرانشان به خوارج ملحق شدند سپس آنها را باز گردانند و آنها را آگاه ساختند و تنبیهشان کردند. سپس بعضی از آنها بر راه راست استقامت ورزیدند و بعضی دیگر از آنان فرار کرده و به خوارج ملحق شدند و تا روز قیامت خسارت‌مند شدند و بقیه به آن مکان (نهروان) رفتند و با اهل بصره مکاتبه کردند و به یکدیگر اعلام وفاداری کردند و همگی در نهروان جمع شدند تا اینکه صاحب شوکت و قدرتی شدند و تبدیل به جنگجویان مستقلی شدند. و در آنها شجاعت وجود داشت و فکر می‌کردند که با این کارهایشان، دارند به خداوند تقرب می‌جویند! و چنان شجاعتی داشتند که نه کسی می‌توانست رویاروی آنها بشود و نه می‌توانست از آنها انتقامی بگیرد. والله المستعان».

خداوند متعال را بی‌نیازت سپاس‌گزارم که توفیق ترجمه‌ی این کتاب ارزشمند را به این بنده حقیرش بخشید و از او خواستارم که توفیق ترجمه‌های بیشتری را به من ببخشد. و از خداوند متعال می‌خواهم که این ترجمه را از این حقیر بپذیرد و آن را سبب کفاره‌ی گناهانم قرار بدهد آمین.

لازم به ذکر است در انتهای پاورقی‌هایی که مؤلف آنها را نوشته است عبارت [مؤلف] را نوشته‌ام و بقیه‌ی پاورقی‌ها برای توضیحات بیشتر توسط مترجم اضافه شده است.

و همچنین از مشوق و استاد بزرگوارم ماموستا «بهروز عزیزی» -حفظه الله- کمال قدردانی و تشکر را دارم، چرا که ایشان به عنوان سرپرست مترجم در ترجمه‌ی متون مشکل، به بنده کمک فراوانی نمودند و اصل کار ترجمه از من است، و اگر احیاناً کاستی یا اشتباهی در ترجمه وجود داشت، از من بوده نه از ماموستا.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه وسلم

